

بررسی و تبیین محدودیت های فراروی توانمندسازی اجتماعی روستایان

(مطالعه موردی: بخش های مرکزی و زبرخان در شهرستان نیشابور)

صادق اصغری لقمجانی¹

نسیبه حسینی²

حسین زینتی³

1- استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، گروه جغرافیا، دانشگاه زابل

2- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، گروه جغرافیا، دانشگاه خوارزمی تهران (نویسنده مسئول)
Nasibe.hosseini69@gmail.com

3- دانش آموخته برنامه ریزی توسعه روستایی، گروه جغرافیا، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت مقاله 1399/12/03 تاریخ پذیرش 1400/2/12

چکیده

توسعه فیزیکی شهرها به صورت جدی با عوامل و شاخص های طبیعی و عوارض مختلف ژئومورفولوژیکی در ارتباط هستند. شهر سبزوار مرکز شهرستان سبزوار واقع در استان خراسان رضوی با وسعت 303/5 کیلومتر مربع با محدودیت های فیزیکی توسعه شهری مانند مسیل ها، کال ها، جنس خاک و . . . مواجه است. هدف از این پژوهش دستیابی به متغیرهای تأثیرگذار در توسعه فیزیکی شهر و دستیابی به الگویی که توسعه ی آتی شهر سبزوار را با کم ترین خسارت به محیط طبیعی مکان یابی نماید، می باشد. روش تحقیق بر پایه توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر مدل سازی داده ها بوده است. ابزار اصلی این تحقیق سامانه اطلاعات جغرافیایی در قالب نرم افزار Arc GIS می باشد. با همپوشانی لایه های اطلاعاتی و نقشه ها (توپوگرافی، شیب، ارتفاع، خاک، کاربری اراضی، فاصله از گسل، آبهای زیر زمینی و . . .) در محیط GIS، محدوده بهینه ی توسعه فیزیکی سبزوار مشخص گردید. وجود مسیل ها و کال هایی که در محدوده شهر قرار دارد و وقوع سیلاب، خطر آب گرفتگی مناطق مسکونی در جنوب سبزوار را تهدید میکند. سفره های آب زیرزمینی در بخش جنوبی شهر در مسیر توسعه محدودیت هایی را به دنبال داشته که فقط می توان منطقه شمال و شمال شرق شهر سبزوار را به عنوان بهترین گزینه توسعه شهر در نظر گرفت.

کلیدواژه: توسعه شهری، شاخص های محیطی، توسعه فیزیکی، شهر سبزوار

مقدمه

توانایی قدرت در علوم اجتماعی از سابقه‌ای طولانی برخوردار است و مشتقات آن همچون توانمندسازی یکی از موضوعات روز محققان علوم اجتماعی و مدیریتی است (مطیعی‌لنگرودی، 1391). در واقع، امروزه توانمندی به یکی از مفاهیم اصلی توسعه پایدار تبدیل شده است (میرزایی و همکاران، 1389) و اغلب کشورها برای دستیابی به توسعه پایدار «توانمندسازی» را کارآمدترین روش یافته‌اند (Parsons, 2001). بنابراین می‌توان گفت توانمندسازی، زنان و مردان را، در تامین نیازهای اساسی، تلاش در جهت رفع اختلاف طبقاتی در جوامع، رشد آگاهی عمومی، اعتماد به نفس و اعتماد عامه مردم به اهداف توسعه و حفظ امنیت و آزادی می‌توان جستجو کرد (سعدی و همکاران، 1391). در توانمندسازی، هدف کلی آن است که افراد به سطحی از توسعه فردی دست یابند که به آن‌ها امکان انتخاب بر اساس خواست‌های خود را بدهد (شادی‌طبی، 1381). بنابراین، رویکرد توانمندسازی انسانی که تکیه‌گاه اصلی آن رشد و ایجاد توانمندی‌های انسانی خواهد بود، رویکردی است که می‌تواند با پیوند دادن رشدگرایی و بازتوزیع، اهداف چندگانه‌ی توسعه را در فرایندی انسانی مبتنی بر برخورداری از زندگی دلخواه و آزاد، محقق سازد (مطیعی‌لنگرودی، 1391). توانمندسازی در برنامه‌ها و راهبردهای توسعه روستایی با تکیه بر توان‌های بالقوه روستاییان مطرح است و بر این اصل استوار می‌باشد که دولت‌ها به جای کمک‌های مستقیم و بلاعوض که شخصیت و کرامت انسان‌ها را خدشه‌دار می‌سازد، می‌بایست از طریق ارتقا سطح آموزش، ایجاد مهارت‌های لازم و فعالیت‌هایی از این قبیل زمینه‌های بهبود سطح زندگی روستاییان را فراهم آورند (بهادری، 1386). و از آنجا که پیشرفت اقتصادی در هر کشوری اعم از توسعه‌یافته یا توسعه‌نیافته از طریق توسعه اجتماعی امکان‌پذیر است می‌توان گفت توسعه

اجتماعی مکمل توسعه اقتصادی است و در فرایند توسعه اقتصادی، نمی‌توان توسعه اجتماعی را حتی به طور موقت کنار گذاشت (آل‌اقا، 1384). و اما در این میان برای دستیابی به توانمندسازی با محدودیت‌های روبرو هستیم که می‌توان گفت، با ویژگی‌های ساختاری، نهادی، موقعیتی و فیزیکی در روستاها مرتبط است. همچنین می‌توان استناد کرد که، محدودیت‌های ساختاری از نظام‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه کل و جامعه جهانی نیز تاثیر می‌پذیرند. (زاهدی‌مازندرانی، 1387). ذکر این نکته نیز لازم است که امروزه استفاده از توانایی و استعداد درونی روستاییان، یکی از شیوه‌های مناسب رسیدن به هدف است که می‌تواند در قالب توانمندسازی و ظرفیت‌سازی بروز کند. در توانمندسازی اجتماعی با توجه به اینکه امروزه بیشتر به جنبه مشارکتی توجه می‌گردد، مشارکت مردم به منزله اصل عملیاتی و بنیادین تمام برنامه‌ریزی‌های توسعه مطرح بوده و در همه‌ی فرآیندهای آن، مردم به عنوان محور و حتی طراح طرح‌های توسعه مطرح هستند (فرخی، 1380). بنابراین به منظور نیل به اهداف توسعه روستایی، بکارگیری الزامات مشارکتی در توانمندسازی جامعه روستایی بسیار مثمر ثمر خواهد بود (صالحی و شیخی، 1393). در واقع انسان‌ها نیازهای متعدد و گسترده‌ای دارند که خود به تنهایی قادر به رفع تمامی آنها نیستند و برای پاسخگویی به این نیازها باید از همفکری، همکاری و مشارکت انسان‌های دیگر استفاده کنند (رضایی‌جندانی، 1394). بر این اساس، شناخت محدودیت‌های توانمندسازی اجتماعی خانوارهای روستایی از اهمیت زیادی برخوردار است. چرا که اطلاع و آگاهی برنامه‌ریزان و سیاستگذاران نسبت به این امر در مناطق روستایی که بخش مهمی از جوامع در حال توسعه را تشکیل می‌دهند، در بهبود وضعیت آنها بسیار مؤثر خواهد بود.

به هر حال، ناتوانی اجتماعی یا عدم مشارکت افراد در روند توسعه، حداقل در بخشی از جمعیت روستایی، از مشکلات

332). به عبارت دیگر، به توسعه و بسط دارایی‌ها و توانایی‌های فقرا برای مشارکت، گفتگو و چانه‌زنی، تاثیر، کنترل و مسئولیت‌پذیر کردن موسسات و نهادهایی که بر زندگی آنان تاثیر می‌گذارند، توانمندسازی گفته می‌شود (نارایان، 1395). ایلن و بامبرگر توانمندسازی را به عنوان یک پدیده انگیزشی تعریف می‌کنند که بر مفهوم خود-سودمندی، خودتأثیری و حس سلطه شخصی تاکید دارد، ولی افراد دیگری نظیر توماس و ولتوس استدلال می‌کنند که توانمندسازی باید این دید را بدهد که یک مجموعه، منظری از ادراکات است که علاوه بر خودسودمندی، باید ترکیبی از مفاهیم: معنی‌داری، خودتعیینی و خودتأثیری نیز باشد (آقایار، 1382). بر این اساس، توانمندسازی فرایند ایجاد تغییر از پایین به بالاست یعنی ظرفیت‌های بالقوه‌ای را برای بهره‌برداری از سرچشمه توانایی انسانی که از آن استفاده کامل نمی‌شود، در اختیار سازمان‌ها می‌گذارد (بزاز جزایری، 1384). گزارش توسعه انسانی اشاره دارد که توسعه باید در اطراف مردم مواج باشد نه مردم به دور توسعه و توسعه باید موجب توانمندسازی و تفویض اختیار به افراد و گروه‌ها شود و نه تضعیف آنان (زاهدی مازندرانی، 1387). بنابراین می‌توان گفت بی شک زمانی سکونتگاه‌های روستایی از بهره‌وری و کارایی لازم برخوردار می‌شوند و به توانمندسازی دست می‌یابند که دسترسی به منابع و امکانات جهت ارتقای ظرفیت‌های شناختی، تسهیل مبادلات، توسعه زیرساخت‌ها و مهارت در تصمیم‌گیری فراهم باشد (گرجی، 1389). به هر حال، محققان و سیاستگذاران توسعه، توانمندی اجتماعی را شاخصی می‌دانند که موقعیت اجتماعی فرد را در جامعه نشان می‌دهد. آنها شاخص‌های متفاوتی را جهت سنجش توانمندی اجتماعی مورد استفاده قرار می‌هند. در این راستا، برخی از آنها، شاخص‌های دسترسی به اطلاعات، سرمایه، شبکه‌ای از اعتماد در روابط و مهارت در تصمیم‌گیری را مورد استفاده قرار داده‌اند، برخی دیگر، مشارکت، رهبری، ساختار سازمانی، ارتباط با دیگران، برنامه‌ریزی راهبردی (عنابستانی و همکاران، 1390، Laverack

اساسی نواحی روستایی کشور به شمار می‌آید که در این میان، روستاهای مورد مطالعه نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشند. در واقع، بخش‌های زبرخان و مرکزی شهرستان نیشابور به دلیل عدم دسترسی به فرصت‌های لازم برای ادامه تحصیل فرزندان، عدم برگزاری کلاسهای آموزشی و ترویجی، پایین بودن میزان اعتماد ساکنان به مراکز خدمات روستایی، عدم وجود درمانگاه، پاسگاه امنیتی و دامپزشکی در روستاهای محدوده مورد مطالعه و همچنین عدم وجود خانه بهداشت در اکثر روستاها، با محدودیت‌های متنوعی مواجه‌اند که به همین دلیل، تاکنون توسعه مناسب اجتماعی خانوارهای روستایی ساکن در آنها میسر نشده است که این امر به گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی و افزایش مهاجرت‌های روستایی - شهری دامن زده و زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات منطقه‌ای گردیده است.

ب در این تحقیق تلاش شده است تا ضمن بررسی اهمیت توانمندسازی اجتماعی خانوارهای روستایی مورد مطالعه، میزان اثرگذاری آنها مشخص گردد و به این پرسش‌های اساسی پاسخ دهد که خانوارهای ساکن در محدوده مورد مطالعه برای توانمندسازی اجتماعی با چه محدودیت‌هایی مواجه‌اند و سطح تاثیرگذاری هر یک از آنها در بروز یا تشدید محدودیت‌های مطرح در این خانوارها چگونه است؟

مبانی نظری

بحث درباره مفاهیم و تعاریف ارائه شده درباره مقوله «توانمندسازی»، همواره از مباحثی پویا و پرشور بوده است (اعرابی و فیاضی، 1388). توانمندسازی به معنی تشویق افراد برای مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیری‌هایی است که بر فعالیت آن‌ها مؤثر است. یعنی فراهم آوردن فضایی که افراد بتوانند ایده‌های خود را بیافرینند و بر آن جامه عمل پوشند (Evans, 1992: 135-147). در واقع، توانمندسازی به دنبال این است که مردم بتوانند خود آغازگر، کنترل‌کننده و رهبر توسعه باشند و در عین حال توان مشارکت آزادانه در پروژه‌ها و طرح‌های توسعه را نیز داشته باشند (Lekoko & Merwe, 2006: 323)

(2003) و گروهی دیگر، آموزش، دسترسی به زیرساخت-ها و پناهگاه را مورد بررسی قرار داده‌اند (Abrar-ul-hag et al, 2016: 2) بر اساس جمع‌بندی دیدگاهها و نظریه‌های موجود، توانمندسازی اجتماعی خانوارهای روستایی مستلزم حذف موانع و محدودیت‌های متنوعی است که هر یک از آنها می‌توانند از بهبود وضعیت اجتماعی خانوارهای روستایی پیشگیری نموده، دامنه انتخاب‌های آنها را محدود نمایند و نابسامانی‌های اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی خانوارها را در پی داشته باشد.

پیشینه تحقیق

با توجه به مطالعات صورت گرفته در حوزه توانمندسازی روستائیان می‌توان گفت اکثر مربوط به مولفه‌های موثر بر توانمندسازی روستائیان بوده است و کمتر به محدودیت‌های اجتماعی اشاره شده است. بر همین اساس در این تحقیق تلاش شده است تا ضمن بررسی وضعیت شاخص‌های مطرح در توانمندسازی اجتماعی خانوارهای روستایی مورد مطالعه، محدودیت‌های مؤثر در توانمندسازی اجتماعی آنها مورد بررسی قرار دهد و نهایتاً روستاهای مورد مطالعه با کمک نرم‌افزارهای Expert Choice، SPSS و ArcGIS، بر اساس شدت موانع و محدودیت‌های مطرح در توانمندسازی اجتماعی، رتبه‌بندی و تحلیل فضایی شوند که این امر، اقدام قابل توجهی در مطالعات روستایی مرتبط با موضوع مورد مطالعه محسوب می‌گردد.

کتابی و همکاران (1382)، به بررسی عوامل موثر بر توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه روستا پرداختند و به این نتیجه رسیدند که عواملی همچون افزایش سطح تحصیلات، بهبود وضع سلامت، برخورداری از حق مالکیت قانونی، رفع تبعیض از بازار کار و حذف باورهای سنتی، عوامل موثری در توانمندسازی زنان هستند. سعدی و همکاران (1391)، نیز در سنجش میزان توانمندی اجتماعی زنان قالیباف روستایی و عوامل موثر بر آن در استان همدان، به این

نتیجه رسیده‌اند که متغیرهای رضایت از شغل قالیبافی، سطح دانش تخصصی و سطح تحصیلات به عنوان عوامل موثر و تعیین‌کننده در توانمندسازی آنها شناخته شده‌اند.

حیدری ساربان (1391)، به بررسی نقش توانمندسازی در توسعه روستایی در مناطق روستایی شهرستان مشکین شهر پرداخت. نتایج تحقیق نشان داد که ارتباط معنادار بین توانمندسازی و توسعه روستایی وجود دارد و می‌توان استنباط نمود که رابطه بسیار قوی با جهت مثبت میان سطح توسعه روستاهای نمونه تحقیق با ابعاد خودتعیینی، شایستگی، معنی‌داری، اعتماد و تأثیر وجود دارد.

فرضی‌زاده و همکاران (1392)، نیز درک بومی از توانمندی اجتماعی جامعه زنان روستایی را با روش کیفی بررسی نموده‌اند. یافته‌ها نشان داد که تأثیر ساختار فرصت به ویژه نهادهای غیررسمی بر توانمندی بسیار تعیین‌کننده است و هنوز موانع بسیاری برای رشد توانمندی زنان روستایی وجود دارد که ریشه همه موانع مذکور، ضعف دانش و آگاهی است. بندرز و نیک‌نامی (1392)، به شناسایی عوامل اجتماعی- فرهنگی موثر بر توانمندسازی اعضای تعاونی‌های روستایی زنان استان ایلام پرداختند، نتایج مبین آن بود که متغیر مدیریت مشارکتی در تعاونی مهمترین عامل تأثیرگذار بر توانمندسازی اعضای می‌باشد.

رضائی و زارعی (1393)، به بررسی دیدگاه زنان روستایی درباره تأثیر مولفه‌های سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی آنان در روستای حسن خان شهرستان قروه پرداختند. نتایج نشان داد که افزایش میزان سرمایه اجتماعی زنان روستایی شامل انسجام، مشارکت و اعتماد اجتماعی، به طور مستقیم به توانمندسازی آنان منجر می‌شود. قنبری و انصاری (1394)، به شناسایی و تبیین عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر توانمندسازی زنان روستایی شهرستان رستم پرداختند. نتایج نشان داد که اساسی‌ترین موانع موجود در مسیر توانمندسازی زنان

چین است. الشیک و الامین⁵ (2013)، به بررسی عوامل موثر بر توانمندسازی زنان در سودان پرداختند. نتایج نشان داد که سیاست‌ها و استراتژی‌های بهبود توانمندسازی زنان شامل افزایش دسترسی به امکانات، ارائه آموزش و ترویج قابلیت‌های زنان، از عوامل موثر در توسعه است. موهانتی⁶ و همکاران (2013)، به بررسی توانمندسازی اجتماعی زنان در مناطق روستایی اوریسا از طریق شرکت در گروه‌های خودیاری پرداختند. نتایج نشان داد که شرکت در گروه‌های خودیاری باعث افزایش اعتماد به نفس، مهارت و بهبود سطح آموزش زنان در مناطق روستایی اوریسا هند شده است. چاپیندولا و موانجا⁷ (2015)، به بررسی نقش بانک‌های انجمن‌های روستایی در توانمندسازی اجتماعی زنان در خانواده، در جوامع روستایی منطقه متوارا در تانزانیا پرداختند. یافته‌ها نشان داد که نقش اقتصادی این بانک‌ها، قادر به توانمندسازی اجتماعی زنان روستایی این منطقه از طریق افزایش اعتماد به نفس آنها، افزایش احترام، ایجاد یک حس اجتماعی ارزشمند بودن و همچنین غلبه بر خجالت‌زدگی از اجتماع بوده است.

قلمرو جغرافیایی تحقیق

نیشابور یکی از شهرستان‌های استان خراسان رضوی است که از نظر تقسیمات سیاسی از چهار بخش مرکزی، زیرخان، سرولايت و میان‌جلگه تشکیل شده است. محدوده مورد مطالعه، از شمال به شهرستان‌های چناران، قوچان و بخش سرولايت، از شرق به شهرستان‌های مشهد و بینالود، از جنوب به شهرستان تربت‌حیدریه و بخش میان‌جلگه و از غرب نیز به شهرستان تخت‌جلگه محدود می‌گردد (شکل 2). این محدوده با مساحت 3303 کیلومتر مربع، دارای 310 آبادی، 33041 خانوار و 110420 نفر جمعیت می‌باشد (مرکز آمار ایران، 1390).

روش تحقیق

عواملی نظیر پایین بودن میزان تحصیلات، وجود تعصبات خانوادگی، نبود حمایت‌های قانونی و همچنین نبود فرصت‌های شغلی می‌باشد. ریفکین¹ (2003)، در مقاله خود تحت عنوان چارچوب اتصال تقویت جامعه محلی و برابری بهداشت، به این نتیجه رسیده است که توانمندسازی فرایندی است که به واسطه آن، افراد بر امور و کارهای خود تسلط بیشتری می‌یابند و با کسب قدرت بالا، کنترل بر منابع، اعتمادسازی، ظرفیت‌سازی و مشارکت فعال می‌توانند مسیر زندگی‌شان را به درستی هدایت کنند. آکپابو² (2009)، به مطالعه تاثیر سازمان‌های غیردولتی بر توانمندسازی زنان روستایی در نیجریه پرداخت. نتایج نشان داد که سازمان‌های غیردولتی زنان (WNGOs) کمک شایانی به بهبود فعالیت‌های اجتماعی و تقویت مشارکت در میان زنان روستایی می‌کنند. تسی³ (2010)، به مطالعه تاثیر توانمندسازی در غنای روستایی در استرالیا پرداخت. نتایج نشان داد که مهمترین چالش‌های پیش‌روی جوامع، نابرابری‌های اجتماعی و محرومیت هستند. میترا و کانودو (2012)، در بررسی نحوه توانمندسازی روستاییان، در بخش بنگال غربی هند، نتیجه گرفتند که سطح توانمندی روستاییان مطالعه شده در ابعاد مختلف، پایین است. بر اساس نتایج پژوهش، کمیت و کیفیت تعامل میان افراد و اعتماد روستاییان به یکدیگر از تاثیر درخور توجهی بر توانمندسازی آنان برخوردار بود. چنگ⁴ (2013)، به بررسی میزان تاثیر جریان اطلاعات بر توانمندسازی اجتماعی در روستاهای چین پرداخت. نتایج نشان داد که ورود جریان اطلاعات به ویژه پذیرش تلفن همراه توسط روستاییان نه تنها افراد را قادر می‌سازد که قدرت چانه‌زنی بیشتری در بازار نشان دهند بلکه ورود جریان اطلاعات یک ابزار موثر برای کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و افزایش توانمندی اجتماعی در روستاهای

5. Elsheikh & Elamin

6. Mohanty

7. Chipindula & Mwangi

1. Rifkin

2. Akpabio

3. Tsey

4. cheng

این پژوهش، به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. جمع‌آوری اطلاعات به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی بوده است و مطالعات میدانی به کمک ابزار اصلی که همان پرسشنامه می باشد و تکمیل فرم‌های مشاهدات میدانی صورت گرفته است. پرسشنامه‌های روستا با کمک خبرگان محلی (اعضای شورای اسلامی روستا و ریش سفیدان ساکن در آنها) و پرسشنامه‌های خانوار نیز توسط سرپرستان خانوارها تکمیل شده است. در این روستا، ابتدا از بین 229 روستای بالای 20 خانوار واقع در بخش‌های زبرخان و مرکزی شهرستان نیشابور، با استفاده از فرمول کوکران و فرمول اصلاحی، 37 روستا به عنوان روستای نمونه محاسبه و به روش تصادفی طبقاتی انتخاب گردید (شکل 3). سپس بر اساس تعداد خانوارهای ساکن در این روستاها و با استفاده از فرمول کوکران، 373 سرپرست خانوار به عنوان حجم نمونه برای تکمیل پرسشنامه‌های خانوار محاسبه و به تناسب فراوانی خانوارهای ساکن در هر روستا، تعداد خانوار نمونه آن روستا تعیین و با روش تصادفی ساده، خانوارهای نمونه انتخاب و نهایتاً پرسشنامه‌های خانوار تکمیل گردید. در ارزیابی روایی محتوایی پرسشنامه از قضاوت افراد خبره در محیط دانشگاه و کارشناسان مربوط استفاده گردید. پایایی آن نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ 87 درصد برآورد گردیده است که با توجه به آستانه‌های در نظر گرفته شده در منابع علمی معتبر، از قابلیت اعتماد مطلوبی برخوردار بوده است.

از طرف دیگر، در تجزیه و تحلیل اطلاعات، برای تعیین درجه اهمیت شاخص‌ها، از فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) و نرم افزار Expert Choice و برای تعیین شدت محدودیت‌های توانمندسازی اجتماعی خانوارهای مورد مطالعه و سطح تاثیرگذاری عوامل مختلف در بروز این محدودیت‌ها و تحلیل‌های فضایی و آماری تحقیق، از نرم افزارهای SPSS و ArcGIS استفاده شده است. در جمع‌بندی داده‌ها نیز از روش ترکیب وزنی استفاده گردید

که رابطه مورد استفاده در این روش به صورت زیر می‌باشد:

$$Z_i = \sum_j W_j X_{ij} \quad \text{رابطه 6:}$$

Z_i = شدت موانع و محدودیت‌های توانمندسازی اجتماعی

ارزیابی شده برای خانوار i ($i = 1, 2, 3, \dots, m$)

W_j = درجه اهمیت شاخص j

X_{ij} = نمره استاندارد شده شاخص j برای خانوار i

تعریف عملیاتی متغیرها

در هر تحقیق علمی برای پاسخ به سؤالات تحقیق و یا آزمون فرضیه‌ها، تشخیص متغیرها امری ضروری است. جدول 1، شاخص‌های توانمندسازی و زیرگروه‌های هر یک از این شاخص‌ها را نشان می‌دهد. شاخص‌های مورد مطالعه، متناسب با شرایط منطقه و از بین طیف گسترده‌ای از شاخص‌های مرتبط با هر بخش گزینش شده‌اند و وضعیت آنها نیز به دو صورت کمی (مثل نرخ رشد جمعیت روستا) یا کیفی (مثل سطح اعتماد به دهیاری و شورا) مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

جدول 1: شاخص‌های مورد توجه در بررسی موانع و محدودیت‌های توانمندسازی اجتماعی خانوارهای روستایی

بعد اجتماعی			
مؤلفه	شاخص	مؤلفه	شاخص
ویژگی‌های شخصیتی و فردی سرپرست خانوار	سطح سواد	مشکلات سازگاری	دسترسی به کارشناسان جهت دریافت مشاوره
	سطح مهارت برای فعالیت‌های تولیدی مرتبط		حمایت سازمان‌های دولتی جهت اشتغال افراد تحت پوشش
	نوآوری و خلاقیت فردی در امور تولیدی		امکان دریافت وام خودکفایی
	تمایل برای فعالیت‌های کشاورزی و تولیدی		کفایت مبلغ وام خودکفایی جهت ایجاد اشتغال
	سخت‌کوشی در زندگی		امکان کسب مهارت‌های لازم برای افزایش راندمان تولید
	علاقه به کسب موفقیت و پیشرفت		امکان دریافت خسارت مربوط به بیمه محصولات کشاورزی
	روحیه کار و اشتغال		میزان اعتبارات وام‌های خوداشتغالی
	ترس از شکست در کار و اشتغال		دسترسی به اعتبارات و تسهیلات تولیدی
	تمایل برای انجام فعالیت‌های درآمدزای دیگر		تأثیر دهیاری و شورای اسلامی روستا در حل مشکلات

یافته‌های پژوهش

نتایج توصیفی

بررسی اطلاعات عمومی پاسخگویان پرسشنامه‌های خانوار مؤید آن است که 58/4 درصد از پاسخگویان، مرد و 41/6 درصد آنها نیز زن بوده‌اند. بررسی وضعیت ترکیب سنی پاسخگویان نشان می‌دهد که 18 درصد پاسخگویان دارای سن کمتر از 30 سال، 24/4 درصد آنها 30 تا 39 سال، 17/7 درصد آنها 40 تا 49 سال، 19/6 درصد آنها 50 تا 59 سال و 20/3 درصد آنها نیز دارای سن 60 سال یا بالاتر می‌باشند. از نظر وضعیت سواد نیز بیشترین فراوانی افراد پاسخگو در سطح تحصیلات ابتدایی می‌باشد (جدول 2).

جدول 2: وضعیت تحصیلی پاسخ دهندگان

ردیف	تحصیلات	فراوانی	درصد	ردیف	سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
1	بی-سواد	117	43.1	4	دیپلم و فوق دیپلم	24	41.6
2	ابتدایی	169	45.3	5	لیسانس و بالاتر	2	5.0
3	راهنما بی	61	16.4	6	کل	37	10.0

نتایج تحلیلی

بررسی شاخص‌های مطرح در مشارکت نشان می‌دهد که، مشارکت در مراسم مذهبی و محلی به دلیل اعتقادات راسخ مردم به مسایل مذهبی (به علت قرار گرفتن شهرستان نیشابور در جوار بارگاه مطهر امام رضا (ع) و همچنین سادات بودن اکثریت ساکنان) با میانگین 3/90 بالاترین رتبه و شرکت در کلاس‌های آموزشی و ترویجی به علت عدم برگزاری این کلاسها در اکثریت روستاها و کم توجهی به این موضوع از سوی جهاد کشاورزی در روستاهای دورتر از مرکز شهرستان با میانگین 1/78 کمترین رتبه را کسب نموده‌اند. از سوی دیگر، مشارکت اعضای خانوار در فعالیت‌های کشاورزی در سال‌های اخیر به دلیل مشغول شدن تعداد زیادی از فرزندان به تحصیل در سطوح مختلف کمرنگ جلوه میکند. همچنین در ارتباط با سطح رضایت، گویه‌های تمایل خانواده برای ماندگاری در روستا به دلیل پیری

مشارکت:	عادت داشتن به بی پولی	تأثیر مراکز خدمات روستایی در حل مشکلات
مشارکت:	پذیرش فناوری‌های جدید کشاورزی	بهره‌مندی از امکانات مناسب آموزشی
	احساس یاس و ناامیدی	دسترسی به رسانه‌ها
	میزان رضایت از خود	دسترسی به کتابخانه
	تصور محکوم بودن به زندگی فقیرانه	میزان مطالعه کتب و مجله
	میزان مشارکت در فعالیتهای کشاورزی	فرصت ادامه تحصیل فرزندان
	شرکت در مراسم مذهبی و محلی	سطح دانش فنی بین روستاییان
	مشارکت در تصمیم‌گیری برای حل مشکلات	ماندگاری نیروهای با سواد در روستا
	مشارکت روستاییان در امور مالی روستا	رضایت از مسکن
	مشارکت روستاییان در امور عمرانی روستا	رضایت خانواده از فعالیت‌های معیشتی سرپرست خانوار
	مشارکت مالی برای کمک به افراد نیازمند	رضایت خانواده از درآمد سرپرست خانوار
سرمایه اجتماعی	همکاری همسایگان در کارهای تولیدی	رضایت خانواده به سطح امکانات روستا
	شرکت در برنامه‌های آموزشی و ترویجی	رضایت خانواده برای زندگی در روستا
	همکاری روستاییان با دهیار و شورای روستا	تمایل خانواده برای ماندگاری در روستا
	مشارکت سیاسی روستاییان	وجود مشکل اعتیاد در سطح خانواده
	اعتماد مردم روستا به یکدیگر	وجود مشکل طلاق در سطح خانواده
	اعتماد به دهیاری و شورا	فوت سرپرست خانوار
	اعتماد به مراکز خدمات روستایی	زندانی بودن سرپرست خانوار
	درصد افراد دارای مشکل اعتیاد به مواد مخدر	برخورداری از تسهیلات و امکانات بهداشتی
	وجود خودکشی	پوشش بیمه درمانی
	میزان طلاق	معلولیت و بیماری جسمی یا روحی سرپرست خانوار
امنیت	دسترسی به پاسگاه امنیتی	کهولت سن سرپرست خانوار
	میزان سرقت در سطح روستا	وجود فرد یا افراد معلول یا دارای بیماری صعب‌العلاج در خانواده
	میزان مزاحمت و شرارت در سطح روستا	

جمعیت و داشتن تعلق مکانی به ویژه وابستگی به زمین کشاورزی با میانگین 3/28 و رضایت خانواده از درآمد سرپرست خانوار با میانگین 2/45 به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند (جدول 3).

وضعیت شاخص‌های مرتبط با مشارکت و سطح

رضایت

نتایج حاصل از بررسی شاخص‌های مرتبط با سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که اعتماد مردم روستا به یکدیگر به دلیل شناخت کامل ساکنین از یکدیگر و نسبت خویشاوندی آن‌ها در بیشتر روستاها با میانگین 3/45 بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده است و بالعکس ساکنین به میزان کمی به مراکز خدماتی، دهیار و شوراها اعتماد دارند و مدعی هستند که این افراد فعالیت قابل توجهی در قبال توسعه روستا انجام نمی‌دهند و تنها نام حامیان روستا را یدک می‌کشند که این موضوع خود می‌تواند ناشی از عوامل مختلف از جمله کمبود بودجه از سمت دولت باشد. همچنین قابل ذکر است که پدیده خودکشی از شاخص‌های مهم در مقوله سرمایه اجتماعی می‌باشد که خوشبختانه جز تعداد انگشت‌شماری در روستاهای مورد نظر مشاهده نشده است.

همچنین نتایج بررسی وضعیت شاخص‌های مرتبط با امکانات آموزشی در روستاهای مورد مطالعه نشان داد که در همه روستاها دسترسی به رسانه با میانگین 3/05 بیشترین رتبه را به خود اختصاص داده است. قابل ذکر است که گوئی‌های فرصت ادامه تحصیل فرزندان با میانگین 1/21 و میزان مطالعه کتب و مجلات با میانگین 1/91 پایین‌ترین رتبه را در این بخش به خود اختصاص داده‌اند که علت این امر عدم وجود مدارس در سطوح بالا و مشکلات رفت و آمد به روستاهای مجاور به ویژه ناتوانی مالی اکثر خانواده‌ها در پرداخت هزینه سرویس فرزندان و عدم وجود کتابخانه در سطح روستاها می‌باشد (جدول 4).

وضعیت شاخص‌های مرتبط با سرمایه اجتماعی و

امکانات آموزشی

از سوی دیگر، بررسی وضعیت شاخص‌های مرتبط با ویژگی‌های شخصیتی و فردی سرپرست خانوار بیانگر آن است که از بین گوئی‌های مذکور، تمایل برای انجام فعالیت‌های درآمدزای دیگر با میانگین 3/71 بیشترین رتبه را کسب نموده است، علت این امر ناراضی بودن تعداد کثیری از سرپرستان خانوار از درآمد و شغل فعلی خویش (کشاورزی، دامداری، کارگری و ...) می‌باشد که خود ناشی از کم آبی، نداشتن زمین کشاورزی و فصلی بودن اکثر مشاغل در روستاهای مورد مطالعه است. همچنین، پذیرش فناوری‌های جدید کشاورزی با میانگین 1/78 با استقبال بسیار کمی از سوی ساکنین روستایی مواجه شده و پایین‌ترین رتبه را از نظر پاسخگویان به خود اختصاص داده است که مهمترین دلایل آن بالا بودن قیمت ابزارآلات نوین کشاورزی، ناتوانی مالی کشاورزان در تهیه ماشین‌آلات، کوچک بودن زمین‌های کشاورزی و گرایش به کشت سنتی به دلیل عدم آشنایی با نحوه استفاده از تکنولوژی‌های جدید کشاورزی از طرف بسیاری از کشاورزان روستایی می‌باشد (جدول 5).

همچنین نتایج حاصل از بررسی مشکلات سازمانی پاسخگویان گویای آن است که امکان دریافت وام خودکفایی با میانگین 3/21 بیشترین رتبه را به خود اختصاص داده است و روستاییان برخلاف سایر وام‌ها، برای دریافت وام خودکفایی با موانع و مشکلات کمتری رو به رو هستند، بررسی‌ها نشان داد که تعدادی از ساکنین این وام را از کمیته امداد و اداره رفاه دریافت کرده‌اند. از سوی دیگر، امکان دریافت خسارت مربوط به بیمه محصولات کشاورزی با میانگین 1/43 کمترین رتبه را از نظر پاسخگویان کسب نموده و خود عامل نارضایتی از عملکرد بیمه‌های مربوط به کشاورزی و عدم اعتماد کشاورزان به این قبیل بیمه‌ها شده است (جدول 6).

مقایسه زوجی شاخص‌های مرتبط با توانمندسازی اجتماعی (که بر اساس نظرات 12 نفر از خبرگان محلی و استفاده از نرم‌افزار Expert Choice انجام گردیده است) مؤید آن است که شاخص مشارکت در تصمیم‌گیری برای حل مشکلات روستا با ضریب 0/149 دارای بیشترین درجه اهمیت و شاخص دریافت خسارت مربوط به بیمه کشاورزی با ضریب 0/004 کمترین درجه اهمیت را در راستای هدف مورد نظر به خود اختصاص می‌دهند (شکل 4).

وزن‌های حاصل از مقایسه زوجی شاخص‌های مطرح در توانمندسازی اجتماعی خانوارهای روستایی

به هر حال، جمع‌بندی داده‌ها به روش ترکیب وزنی (بر اساس شاخص‌های استاندارد شده و درجه اهمیت آنها) برای بررسی سطح موانع و محدودیت‌های اجتماعی مطرح در توانمندسازی خانوارهای مورد مطالعه نشان می‌دهد که در 17/43 درصد از این خانوارها، سطح موانع و محدودیت‌ها در حد زیاد تا بسیار زیاد می‌باشد (جدول 8).

جدول 8: وضعیت خانوارهای مورد مطالعه به تفکیک شدت موانع و محدودیت‌های اجتماعی خانوارها

طبقات	شدت موانع و محدودیت‌ها	درصد خانوار
طبقه اول	بسیار کم	5/63
طبقه دوم	کم	30/29
طبقه سوم	متوسط	46/65
طبقه چهارم	زیاد	16/35
طبقه پنجم	بسیار زیاد	1/08

همچنین محاسبه شدت موانع و محدودیت‌های اجتماعی مطرح در توانمندسازی روستاهای مورد مطالعه (بر اساس میانگین شدت موانع و محدودیت‌های اجتماعی خانوارها) حاکی از آن است که از 37 روستای مورد مطالعه، شدت موانع و محدودیت‌های اقتصادی در 18 روستا در سطح شدید و در 7 روستا نیز در سطح بسیار شدید (بحرانی)، می‌باشد.

از سوی دیگر، بررسی چگونگی پراکنش روستاهای مورد مطالعه به تفکیک شدت موانع و محدودیت‌های اجتماعی حاکی از آن است که روستاهای با شدت موانع و محدودیت‌های کم غالباً در نیمه جنوبی محدوده مورد مطالعه پراکنده می‌باشند. در حالی که روستاهای با شدت موانع و محدودیت‌های زیاد و بسیار زیاد در سراسر محدوده مورد مطالعه قابل مشاهده‌اند (شکل 5). بررسی وضعیت عوامل

از طرف دیگر، نتایج بررسی شاخص‌های مربوط به مشکلات جسمی و روحی و معضلات اجتماعی خانواده نشان داد، که از 373 خانوار نمونه، 15 درصد خانوارها دارای فرد معلول یا بیمار صعب‌العلاج هستند، که طبق مطالعات انجام شده 76 درصد این معلولیت‌ها مادرزادی بوده و 24 درصد مربوط به بیماری‌هایی نظیر سرطان و تصادفات جاده‌ای می‌باشد.

وضعیت اعتیاد در خانوارهای روستایی مورد مطالعه بیانگر آن است که تعداد 33 خانوار (معادل 8/8 درصد خانوارها) از معضل اجتماعی اعتیاد رنج می‌برند، که این معضل بیشتر در روستاهای نزدیک به مرکز شهرستان مشهود است. همچنین بررسی میزان طلاق در خانوارهای روستایی نشان می‌دهد که تعداد 44 خانوار روستایی (معادل 11/8 درصد خانوارها) دارای مشکل طلاق یا پدیده چند همسری هستند.

از دیگر جهت، نتیجه آزمون همبستگی پیرسون (Pearson) در بررسی ارتباط بین معضل اجتماعی طلاق و وجود مشکل اعتیاد در خانواده، مؤید آن است که با سطح معناداری 0/004 بین این دو متغیر رابطه معنادار وجود دارد. ضریب همبستگی بین این دو متغیر 0/531 می‌باشد که با توجه به مقادیر حاصل، با سطح اطمینان 99 درصد می‌توان گفت که بین این دو متغیر، ارتباط مستقیم و معنادار با همبستگی متوسط برقرار است (جدول 7). بر این اساس می‌توان گفت که افزایش میزان اعتیاد سبب بالا رفتن میزان طلاق در خانوارهای روستایی مورد مطالعه و از هم گسیختن بنیان خانواده می‌گردد.

جدول 7: نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون

طلاق	اعتیاد		
.531	1	آزمون پیرسون	اعتیاد
.004		سطح معنی داری	
373	373	جامعه	
1	.531	پیرسون	طلاق
.004		سطح معنی داری	
373	373	جامعه	

مؤثر بر موانع و محدودیت‌های اجتماعی در روستاهای مورد مطالعه نشان می‌دهد که روستاهای حسین آباد، قره بیگ، اقبالی، کارچی، مبارکه، ادگ و سوقند عمدتاً به دلیل عدم برخورداری از امکانات آموزشی و بهداشتی مناسب، پایین بودن میزان مشارکت، بالا بودن میزان اعتیاد و طلاق، با بیشترین موانع و محدودیت‌های مطرح در توانمندسازی اجتماعی مواجه می‌باشند. در مقابل، روستاهای نوبهار، حریم آباد و دربهشت به دلایلی همچون مشارکت و همبستگی روستاییان در امور مختلف، بالا بودن میزان امنیت در روستا و سطح پایین جرم و شرارت، با کمترین موانع و محدودیت‌های مطرح در توانمندسازی اجتماعی رو به رو می‌باشند.

شدت موانع و محدودیت‌های مطرح در توانمندسازی اجتماعی روستاهای مورد مطالعه

بررسی وضعیت شاخص‌های مرتبط با امنیت در روستاهای مورد مطالعه نشان می‌دهد که در هیچ یک از روستاهای یاد شده پاسگاه امنیتی وجود ندارد و افراد در مواقع لزوم بایستی به مراکز بخش مراجعه کنند. میزان مزاحمت و شرارت در روستاهای مورد مطالعه 2/7 درصد و میزان سرقت نیز 10/8 درصد محاسبه شده است.

همچنین، نتایج مربوط به شاخص دسترسی به تسهیلات و امکانات بهداشتی نشان داد که در 37 روستای نمونه، 21 روستا (معادل 56/8 درصد) فاقد خانه بهداشت می‌باشند. قابل ذکر است که در هیچ‌کدام از روستاهای ذکر شده، درمانگاه و دامپزشکی وجود ندارد. بررسی وضعیت پوشش بیمه درمانی نیز، بیانگر آن است که 5/6 درصد خانوارها فاقد بیمه، 5/1 درصد دارای بیمه خدمات درمانی، 16/1 درصد دارای بیمه تامین اجتماعی و سایر خانوارها معادل 73/2 درصد تحت پوشش بیمه روستایی می‌باشند. از طرف دیگر، محاسبه نرخ رشد جمعیت روستاهای مورد مطالعه در محدوده سال‌های 1385 و 1390 نشان می‌دهد که 32 درصد از این روستاها دارای رشد منفی جمعیت بوده و با مشکل کاهش جمعیت مواجه‌اند (شکل 6). با توجه به نتایج پژوهش، انتظار اولیه بر آن است که روستاهای دارای موانع و محدودیت‌های شدید یا بسیار شدید با مهاجرت گسترده خانوارها مواجه باشند. در حالی که یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که در برخی از این روستاها، به دلیل ساختار سنی

سالخورده جمعیت، دیگر انگیزه‌ای برای مهاجرت برای افراد ساکن در آنها باقی نمانده است، چرا که عمدتاً در افراد کهنسال، تعلق و تعصب مکانی خاصی وجود دارد که تحت هیچ شرایطی حاضر به ترک روستای خویش و مهاجرت نمی‌باشند. از سوی دیگر، سیاست‌های دولت برای افزایش میزان زاد و ولد و افزایش جمعیت در برخی از روستاهای دارای ساختار سنی جوان نیز در افزایش جمعیت آنها مؤثر بوده است که وجود روند افزایش جمعیت در آنها را با وجود محدودیت‌های موجود در توانمندسازی موجه نموده است. همچنین وجود طبیعت سرسبز و شرایط آب و هوایی مطلوب در برخی از روستاها (همچون سوقند)، انگیزه ویلاسازی را در بعضی از شهروندان (برای دوری از شلوغی شهرها و بهره‌گیری از مناطق خوش آب و هوا، سکوت نسبی و رفع خستگی کار در سرسبزی و خرمی روستاها) تقویت نموده است. بدیهی است که در اینگونه روستاها، فراوانی مساکن روستا، مبنای درستی برای خانوارهای ساکن در آنها و موانع و محدودیت‌های مطرح در توانمندسازی اجتماعی آنها نخواهد بود.

از طرف دیگر، برای مقایسه میزان تاثیرگذاری عوامل مختلف مؤثر در بروز یا تشدید موانع و محدودیت‌های توانمندسازی اجتماعی خانوارهای روستایی مورد مطالعه، از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه (One-Way ANOVA) استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون مؤید آن است که میانگین واریانس بین گروه‌ها بیشتر از میانگین درون گروه‌ها است و از آنجا که مقدار P. value کوچک‌تر از 0/001 می‌باشد، با سطح اطمینان 99 درصد، اختلاف معنی‌داری بین شدت تأثیرگذاری عوامل مختلف مطرح در بروز موانع و محدودیت‌های اجتماعی خانوارهای مورد مطالعه وجود دارد (جدول 9).

جدول 9: مقایسه میانگین شدت موانع و محدودیت‌های توانمندسازی اجتماعی خانوارهای روستایی مورد مطالعه

سطح معناداری	جمع مجذورات		میانگین مجذورات	
	درون گروهی	بین گروهی	درون گروهی	بین گروهی
000	3/128	5/070	0/001	0/724

خروجی دیگر این آزمون در مقایسه سطح تأثیرگذاری عوامل مؤثر در بروز یا تشدید موانع و محدودیت‌ها برای توانمندسازی

به اهمیتی که توانمندسازی در بهبود وضعیت روستاها دارد، با فراهم کردن امکانات لازم و برنامه‌ریزی‌های اصولی و کارآمد می‌توان زمینه پیشرفت و توسعه هر چه بیشتر روستاها و به طبع توسعه ملی را فراهم نمود. به هر حال، در راستای افزایش توانمندسازی اجتماعی در خانوارهای مورد مطالعه، پیشنهادها زیر را می‌توان مطرح نمود.

با توجه به نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس یک-طرفه، روستاهای مورد مطالعه نیاز مبرمی به ارائه امکانات آموزشی مناسب به ویژه مدارس در مقاطع مختلف تحصیلی دارند، این در حالی است که در روستاهای مورد مطالعه تعداد 5 روستا (قره بیگ، کریم آباد، سوقند، آهنگران و سامغان) فاقد هرگونه مدارس در مقطع ابتدایی می‌باشند، بنابراین بایستی در صورت امکان به آن‌ها ارائه گردد و در غیر این صورت هزینه سرویس فرزندان برای مراجعه به روستاهای بزرگتر باید از سوی نهادهای حمایتی در قالب تسهیلات یا کمک‌های یارانه‌ای به خانواده‌ها اعطا شود.

همچنین با توجه به ضرورت تقویت امکانات آموزشی در توانمندسازی اجتماعی خانوارهای روستایی و با در نظر گرفتن این موضوع که تمام روستاهای مورد مطالعه فاقد کتابخانه هستند لذا توجه بیشتر به این مسئله از سوی مسئولین برای افزایش آگاهی و بالارفتن میزان مطالعه کتب و مجلات در رده‌های سنی مختلف ضروری می‌نماید.

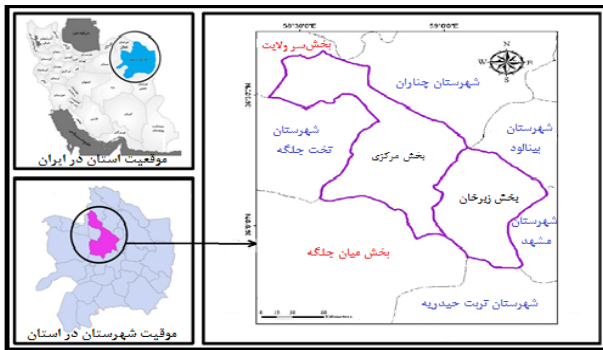
ایجاد مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای در روستاهای مرکزی هر دهستان برای آشنایی اهالی روستا به ویژه جوانان با مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و پذیرش فناوری‌های جدید کشاورزی و همچنین فروش با قیمت پایین و یا اجاره دادن این ابزارآلات از سوی نهادهای مربوطه جهت افزایش سود و بازدهی محصولات کشاورزی.

با توجه به اینکه در تعدادی از روستاهای مورد مطالعه، افراد اعتماد کمی به دهیار و شوراها در اداره امور و رسیدن به توسعه روستا دارند، لذا بهتر است با دعوت از

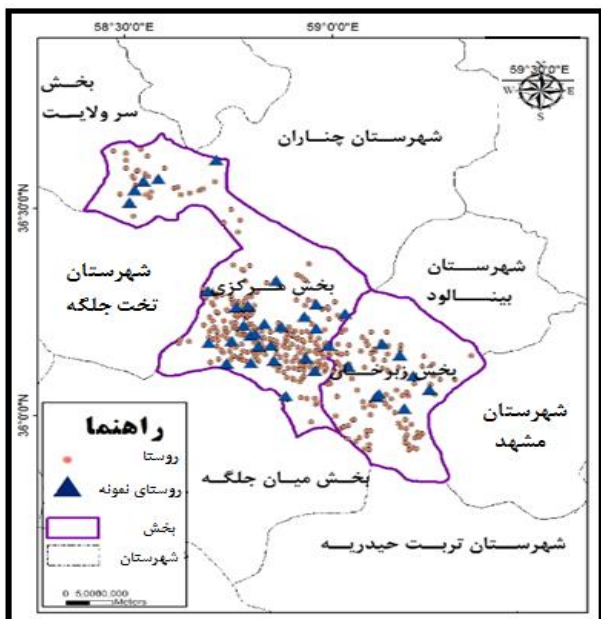
اجتماعی خانوارهای مورد مطالعه حاکی از آن است که محدودیت‌های ناشی از امکانات آموزشی با ضریب 0/1292، مشارکت با ضریب 0/1032 و سرمایه اجتماعی با ضریب 0/0588، تاثیرگذارترین عوامل در بروز یا تشدید موانع و محدودیت‌های توانمندسازی اجتماعی خانوارهای روستایی این منطقه به حساب می‌آیند (شکل 7).

نتیجه‌گیری

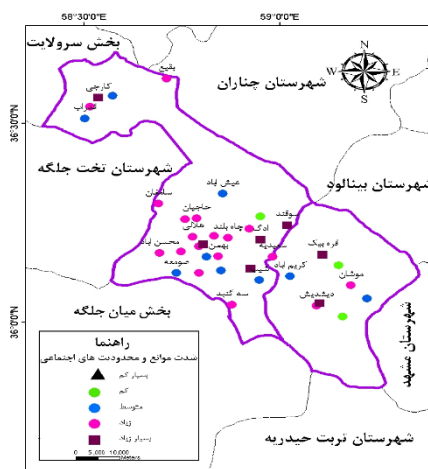
- توانمندسازی اجتماعی فرایندی است که طی آن افراد برای غلبه بر موانع پیشرفت، فعالیت‌هایی انجام می‌دهند که باعث تسلط آن‌ها در سرنوشت خود می‌شود. از این-رو، سکونتگاه‌های روستایی زمانی از بهره‌وری و کارایی لازم برخوردار می‌شوند و به توانمندسازی دست می‌یابند که دسترسی به منابع و امکانات جهت ارتقای ظرفیت‌ها، تسهیل مبادلات، توسعه زیرساخت‌ها و مهارت در تصمیم‌گیری، برای روستائیان ساکن در آنها فراهم باشد. بنابراین در بررسی مسائل جوامع روستایی، توجه به توانمندسازی اجتماعی و رفع موانع و محدودیت‌های موجود در آنها بسیار ضروری می‌باشد. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف شناخت موانع و محدودیت‌های مطرح در توانمندسازی اجتماعی خانوارهای روستایی انجام گردیده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، خانوارهای ساکن در روستاهای مورد مطالعه در جهت توانمندسازی اجتماعی با موانع و محدودیت‌های متعددی مواجه می‌باشند که در این راستا، محدودیت‌های ناشی از امکانات آموزشی، مشارکت و سرمایه اجتماعی، بیشترین شدت تأثیرگذاری را به خود اختصاص می‌دهند. نتایج این پژوهش همسو با یافته‌های کتابی و همکاران (1382) و الشیک و الامین (2013) می‌باشد که مهمترین عامل توسعه جوامع روستایی را دسترسی به امکانات آموزشی، افزایش اعتماد و مشارکت مردم می‌دانند. در یک جمع‌بندی کلی از مجموع یافته‌های توصیفی و تحلیلی پژوهش مشخص می‌شود که خانوارهای ساکن در روستاهای مورد مطالعه شهرستان نیشابور با موانع و محدودیت‌های مختلفی در زمینه توانمندسازی اجتماعی مواجه می‌باشند. با توجه



شکل 1: موقعیت منطقه تحقیق در شهرستان نیشابور



شکل 2: چگونگی پراکنش روستاهای نمونه در سطح محدوده مورد مطالعه



شکل 3: شدت موانع و محدودیت‌های مطرح در توانمندسازی اجتماعی روستاهای مورد مطالعه

خانواده های علاقمند و تاثیر گذار در جلسات، ابزار لازم را جهت مشارکت روستائیان و تصمیم گیری جمعی فراهم آورد.

ایجاد مراکز مشاوره و کمپ‌های ترک اعتیاد در روستاهای مرکزی هر دهستان برای حل مشکلات اجتماعی به ویژه کاهش میزان طلاق در سطح روستاها و جلوگیری از گسیختن بنیان خانواده از هم ضروری می‌باشد.

عدم برگزاری کلاس‌های آموزشی و ترویجی از سوی اداره جهاد کشاورزی در بسیاری از روستاهای دور از مراکز بخش و شهرستان، عدم حضور و در نتیجه کاهش مشارکت کشاورزان روستایی را در این کلاس‌ها به همراه داشته که خود عاملی مهم در پایین نگه داشتن میزان آگاهی کشاورزان در بهره‌برداری بهینه از محصولات و عدم به اشتراک گذاشتن تجربیات کشاورزی بین افراد به شمار می‌رود.

با توجه به اینکه از بین روستاهای مورد مطالعه 21 روستا فاقد خانه بهداشت می‌باشند، با در نظر گرفتن وضعیت سلامت افراد به ویژه نوزادان لازم است که در سطح تمام روستاها این واحدها تاسیس گردند تا خطرات ناشی از معلولیت و سایر بیماری‌ها در کودکان کاهش یابد.

با عنایت به اینکه جوامع بشری نیاز مبرمی به محصولات کشاورزی جهت تغذیه و سایر مصارف دارند، اعطای خسارت مربوط به بیمه کشاورزی از طریق نهادهای مسئول جهت بالا بردن قدرت ریسک‌پذیری کشاورزان برای کشت محصولات در شرایط نامساعد اقلیمی و کم آبی الزامی می‌باشد. جدول 3: وضعیت شاخص‌های مرتبط با مشارکت و سطح رضایت

جدول 3 وضعیت شاخص‌های مرتبط با مشارکت و سطح رضایت

ضریب تغییرات	میانگین	درصد					گویه‌ها	شاخص‌ها
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم		
1/04	3/43	22	15/8	48/8	10/2	3/2	مشارکت برای حل مشکلات	مشارکت
0/93	3/24	9/9	25/5	47/5	13/7	3/5	مشارکت در امور مالی	
0/93	3/28	11/8	23/3	48/8	13/4	2/7	مشارکت در امور عمرانی	
1/91	2/45	24/95	30/08	30/38	11/50	3/09	مشارکت اعضا در امور کشاورزی	
1/16	2/99	13/1	18/2	34/3	23/9	10/5	مشارکت مالی برای افراد نیازمند	
1/01	2/63	2/1	16/1	42/4	22	17/4	همکاری همسایگان	
1/60	1/78	5/15	23/20	29/07	13/80	28/78	شرکت در کلاس‌های آموزشی	
0/91	3/90	29	39/9	24/9	4/8	1/3	مشارکت در مراسم مذهبی و محلی	
0/86	3/60	15/8	37/5	39/4	5/9	1/3	میزان همکاری با دهیار و شورا	
0/89	3/74	22/3	38/1	32/7	6/2	0/8	مشارکت در امور سیاسی	
1	3/21	13/9	16/6	50/4	14/7	4/3	رضایت برای زندگی در روستا	سطح رضایت
0/95	2/55	2/9	7/5	48/8	23/6	17/2	رضایت از سطح امکانات روستا	
0/97	2/62	4/3	10/2	41/6	31/6	12/3	رضایت از فعالیت‌های معیشتی	
1/04	2/79	8/3	11/3	42/1	27/9	10/5	رضایت از مسکن	
0/89	2/45	2/1	5/6	42/9	33/8	15/5	رضایت خانواده از درآمد	
1/24	3/28	25/7	11/3	37/3	17/7	8	تمایل برای ماندگاری در روستا	

جدول 4: وضعیت شاخص‌های مرتبط با سرمایه اجتماعی و امکانات آموزشی

ضریب تغییرات	میانگین	درصد					گویه‌ها	شاخص‌ها
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم		
1/07	3/45	21/7	21/7	40/8	11/8	4	اعتماد مردم روستا به یکدیگر	سرمایه اجتماعی
0/99	3/41	17/4	23/1	46/4	9/9	3/2	اعتماد به دهیاری و شورا	

1/01	3/33	18	16/6	49/3	13/1	2/9	اعتماد به مراکز خدمات روستایی	امکانات آموزشی
1/27	3/05	20/4	13/7	26	30/8	9/1	دسترسی به رسانه ها	
0/86	1/91	0/5	3/8	19/3	39/7	36/7	دسترسی به کتابخانه و مطالعه کتب	
0/92	1/21	1/9	2/7	36/7	33	25/7	فرصت ادامه تحصیل فرزندان	
0/93	2/37	1/3	6/4	42/4	28/4	21/4	آشنایی با رایانه	

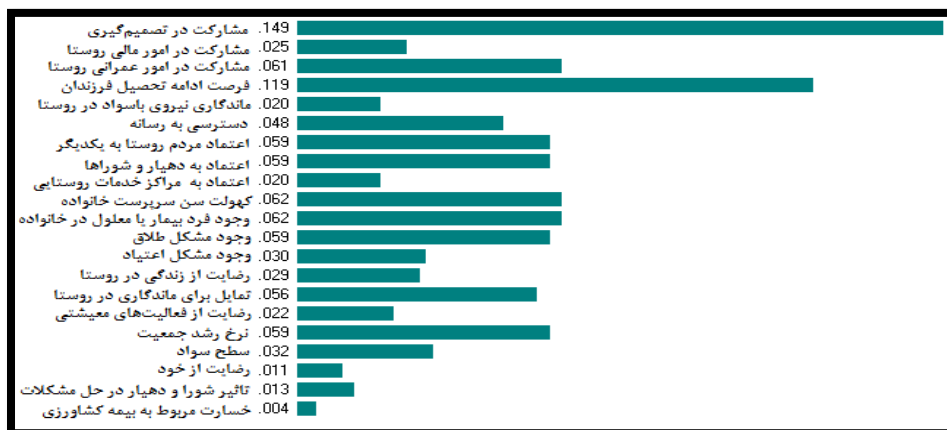
جدول 5: وضعیت شاخص‌های مرتبط با ویژگی‌های شخصیتی و فردی سرپرست خانوار

شاخص‌ها	گویه‌ها	درصد					میانگین	ضریب تغییرات
		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد		
ویژگی‌های شخصیتی و فردی سرپرست خانوار	میزان رضایت از خود	5/6	14/7	43/4	28/7	7/5	3/17	0/96
	علاقه به کسب موفقیت	4/3	8/8	39/4	35/1	12/3	3/42	0/96
	ترس از شکست در کار و اشتغال	12/1	13/9	42/6	23/1	8/3	3/01	1/08
	سطح مهارت برای فعالیت‌های تولیدی مرتبط	2/1	12/6	54/4	16/6	14/2	3/28	0/93
	نوآوری و خلاقیت فردی	7	20/6	41/3	19/3	11/8	3/08	1/07
	تمایل برای فعالیت‌های کشاورزی و تولیدی	4/3	9/4	41/3	23/3	21/7	3/48	1/06
	سخت‌کوشی در زندگی	3/5	9/7	28/2	32/4	26/3	3/68	1/07
	روحیه کار و اشتغال	1/6	11/8	34/9	24/4	27/3	3/64	1/05
	تمایل برای انجام فعالیت‌های درآمدزا	2/1	10/2	32/2	23/3	31/1	3/71	1/07
	عادت داشتن به بی‌پولی	1/9	12/1	45	20/4	20/6	3/45	1/51
	پذیرش فناوری‌های جدید	18/14	20/20	49/41	4/27	7/98	1/78	1/51
	احساس یاس و ناامیدی	13/2	17/7	47/6	10/2	11/3	2/88	1/12
تصور محکوم بودن به فقر	13/7	23/1	46/6	8/3	8/3	2/74	1/06	

جدول 6: وضعیت شاخص‌های مرتبط با مشکلات سازمانی

شاخص‌ها	گویه‌ها	درصد					میانگین	ضریب تغییرات
		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد		
۱-۳-۴	دسترسی به کارشناسان مشاوره	37/5	30/8	29/5	1/6	0/5	1/96	0/88

0/87	2/12	0/3	1/6	38/6	29/2	30/3	حمایت جهت اشتغال افراد تحت پوشش
0/81	3/21	0	0/8	44	31/1	24/1	امکان دریافت وام خودکفایی
0/82	2/22	0/3	2/7	38/1	37/3	21/7	کفایت مبلغ وام خودکفایی جهت اشتغال
0/81	2/22	1/6	42/1	34/3	21/4	0/5	امکان کسب مهارت برای افزایش تولید
1/19	1/43	0/42	3/85	27/59	37/57	30/57	امکان دریافت خسارت کشاورزی
0/79	2/20	0/8	41	36/2	21/4	0/5	میزان اعتبارات وام های خوداشتغالی
0/73	2/31	0/3	1/6	41/6	42/9	13/7	دسترسی به اعتبارات و تسهیلات تولیدی
1/09	2/73	9/9	10/2	34/6	34/6	10/7	تأثیر دهیاری و شورای در حل مشکلات
0/95	2/74	6/2	9/1	46/1	30/6	8	تأثیر مراکز خدمات در حل مشکلات



منابع

- سکاران، اوما، (1381)، روش‌های تحقیق در مدیریت، ترجمه محمد صائبی و محمود شیرازی، چاپ دوم، تهران، انتشارات موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، صص 560 - 1.
- شادی طلب، ژاله، (1381)، توسعه و چالش‌های زنان ایران، تهران: نشر قطره، صص 304-1.
- صالحی، رحمان و شیخی، زهرا، (1393)، مشارکت و توانمندسازی جامعه روستایی با رویکرد توسعه پایدار، سومین همایش ملی توسعه پایدار روستایی، صص 1-13.
- عنابستانی، علی اکبر، شایان، حمید، خسرو بیگی، رضا و علی اکبر تقیلو، (1390)، نقش ویژگی‌های مکانی - فضایی مشارکت در توانمندسازی اقتصاد روستایی، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال اول، شماره 4، صص 13-1.
- فرخی، طاهره، (1380)، تواناسازی زنان، مجله تعاون، شماره 119، صص 13-1.
- فرضی زاده، زهرا، متوسلی، محمود و مهدی طالب، (1392)، بررسی جامعه‌شناختی توانمندی اجتماعی و اقتصادی، درک بومی از آن، عوامل موثر بر رشد آن و موانع در جامعه زنان روستایی، توسعه روستایی، دوره پنجم، شماره 1، صص 40-2.
- قنبری، یوسف و رحیمه انصاری، (1394)، شناسایی و تبیین عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر توانمندسازی زنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان رستم)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال 4، شماره 3، صص 10-1.
- کتابی، محمود، یزدخواستی، بهجت و زهرا فرخی راستابی، (1382)، توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، سال اول، شماره 7، صص 30-5.
- گرچی، محمد باقر، (1389)، ارزیابی تأثیر توانمندسازی بر عملکرد کارکنان، فصلنامه مدیریت، شماره 17، تهران، صص 56-38.
- مرکز آمار ایران (1390)، «اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن».
- مطیعی لنگرودی، سید حسن، قدیری معصوم، مجتبی و فضیله دادورخانی، (1391)، تبیین عوامل موثر بر توانمندسازی روستاییان در توسعه کارآفرینی (مطالعه موردی: بخش‌های زند و سامن شهرستان ملایر)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره 80، صص 119-138.
- میرزایی، حسین، غفاری، غلام‌رضا و کریمی، علی‌رضا، (1389)، توانمندسازی، صنعتی شدن و عوامل زمینه‌ای موثر بر آن (مطالعه موردی: مناطق روستایی شهرستان قروه)، پژوهش‌های روستایی، شماره 1 (4)، صص 128-99.
1. rar-ul-hag, M., Mali, MRM. & Islam, GMN. (2016). Measuring the Socio- Economic
- اعرابی، محمد و مرجان فیاضی، (1388)، گونه‌شناسی دیدگاه‌ها و الگوهای توانمندسازی، فصلنامه مطالعات مدیریت صنعتی، شماره 13، صص 88-67.
- آقایار، سیروس، (1382)، توانمندسازی روش نوین در محیط رقابتی، مجله تدبیر، شماره 135، صص 38-28.
- آل‌آقا، فریده، (1384)، شناسایی مشاغل درآمدزا برای زنان روستایی و تعیین نیازهای آموزشی و مهارت‌های متناسب با آن، مجله پژوهش زنان، دوره 3، شماره 1، صص 166-154.
- بزاز جزایری، سید احمد، (1384)، مدیریت بر مبنای توانمندسازی منابع انسانی، مجله تدبیر، شماره 162، ص 18.
- بندرزی، زینب و نیک نامی، مهرداد، (1392)، شناسایی عوامل اجتماعی- فرهنگی موثر بر توانمندسازی اعضای تعاونی‌های روستایی زنان استان ایلام، مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، سال ششم، شماره 3، صص 77-63.
- بهادری، جواد، (1386)، دست‌بندی عملکردی سیاست‌های اجرایی توانمندسازی اسکان غیر رسمی و کاربرد عملی آن در شهرک سعدی شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- حیدری ساربان، وکیل، (1391)، توانمندسازی گامی اساسی در جهت نیل به توسعه روستایی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره 27، صص 188-169.
- دیپا ناریان (1395)، توانمندسازی و کاهش فقر، مترجمان: فرزاد پور اصغر سنگاچین و جواد رضانی، تهران، چاپ اول، انتشارات کریم خان زند.
- رضایی جندانی، محبوبه، هویدا، رضا و سماواتیان، حسین، (1394)، پیش بینی ابعاد توانمندسازی روانشناختی با استفاده از مولفه‌های سرمایه روان‌شناختی در معلمان مدارس ابتدایی شهر اصفهان، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، سال 16، شماره 1، صص 8.
- رضائی، روح اله و زارعی، شیمیا، (1393)، بررسی دیدگاه زنان روستایی درباره تأثیر مولفه‌های سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی آنان (مورد مطالعه: روستای حسن خان، شهرستان قروه)، زن در توسعه و سیاست، دوره 12، شماره 2، صص 304-287.
- زاهدی مازندرانی، محمد جواد، (1387)، توانمندسازی، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، صص 283-271.
- سعدی، حشمت اله، شعبان علی فمی، حسین و لطیفی، سمیه (1391)، سنجش میزان توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان قالیباف روستایی و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی: استان همدان)، زن در توسعه و سیاست، دوره 10، شماره 2، صص 126-107.

- Mohanty, S., Das, B., & Moahanty, T. (2013). Empowerment of women in rural Odisha through participation in self help groups. *International Journal of Physical and Social Sciences*, 3(7), 347-361. .10
- Parsons, R. J. (2001). Specific practice strategies for empowerment-based practice with women: A study of two groups. *Affilia*, 16(2), 159-179. .11
- Rifkin, S. B. (2003). A framework linking community empowerment and health equity: it is a matter of CHOICE. *Journal of health, population and nutrition*, 168-180. .12
- Tsey, K. (2010). Making social science matter?: Case Studies from community development and empowerment education research in rural Ghana and Aboriginal Australia. *Asian Social Science*, 6(1), 3-12. .13
- Empowerment of Rural Households in Pakistan, *Business and Economics*, 7: 236, 1-6. .2
- Akpabio, I. A. (2009). Women NGOs and rural women empowerment activities in the Niger Delta, Nigeria. *Environment, development and sustainability*, 11(2), 307-317. .3
- heng, C. T. (2013). The Flow of Information as Empowerment and the Changing Social Networking Landscape in Rural China, *the journal of library trends*, 62(1), 81-94. .4
- Chipindula, H., & Mwanga, J. M. (2015). Assessing the role of Village Community Banks in Social Empowerment of Women within households in rural communities of Mtwara District, Tanzania, *Research on Humanities and Social Sciences*, 5(20), 134-142. .5
- Elsheikh, S., & Elamin, S. (2013), The Economic Empowerment of Urban Women in Sudan: Empirical Analysis, *the Journal of American Academy of Business, Cambridge*, 19(1), 302-307. .6
- Evans, E. N. (1992). Liberation theology, empowerment theory and social work practice with the oppressed. *International Social Work*, 35(2), 135-147. .7
- Laverack, G. (2003). Building capable communities experiences in rural figin context. *Health promotion International*, 18(2), 36-51. .8
- Lekoko, R. N., & Van Der Merwe, M. (2006). Beyond the rhetoric of empowerment: speak the language, live the experience of the rural poor. *International review of education*, 52(3-4), 323-332. .9
- Mitra, S., & Kundu, A. (2012). Assessing Empowerment Through Generation of Social Capital. *International Journal of Business and Social Research*, 2(6), 72-84. .9

Exploring and explaining the limitations of social empowerment of villagers (Case study: Central and Zebarkhan Districts in Neyshabur County)

Abstract

Achieving the goals of sustainable development, especially sustainable rural development, required to empowerment of rural households in different dimensions. Therefore in this study has attempted to investigate the most important constraints and limitations of rural households in the Central and Zeberkhan Districts of Nishapur County. This was a descriptive-analytic documentary field research. The field studies were performed through completing village and household questionnaires as well as related forms to field observations. The reliability of the household questionnaire was confirmed by Cronbach's alpha (87%). The rural households in the study region formed the statistical population of the research. A sample size of 373 household legal guardians was determined considering the number of households and using Cochran's formula. Data analysis was performed using the Analytic Hierarchy Process (AHP) technique and Expert Choice. Statistical and spatial analyses were carried out employing SPSS and ArcGIS. The findings suggested that there were enormous or extremely enormous barriers and limitations to the social empowerment of 17.43% of the studied households. On the other hand, The results of one-way variance analysis confirms that indicators related to educational facilities by coefficient of 0.1292, partnership by coefficient of 0.1032 and social capital by coefficient of 0.0588, are considered the most influential factors in the onset or exacerbation of social empowerment constraints and limitations of studied rural households.

Key words: Empowerment, Social development, Rural family, Neyshabur County.